



The Nature, Foundations, and Functions of the Islamic Government in the Waiting Society in the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani

Reza Isania¹

Received: 19/01/2023

Accepted: 21/02/2023



Abstract

Ayatollah Safi Golpayegani was one of the constitutional law jurists who played an effective role in embedding Twelve-Imam Shia jurisprudence literature in the Islamic Republic of Iran. Also, the jurist who played an essential role in rejecting and negating the secularization of the society during his eight years as the secretary of the Guardian Council, and finally emerged as a mujtahid and an authority promoting traditional fiqh since he was sensitive to issues such as the hijab, women becoming ministers, gender segregation, the mixing of men and women, the presence of women in stadiums, considering music as absolutely haram, and Islamic philosophy and mysticism. Therefore, the research in his thought makes it necessary to determine whether the government or the state proposed by him is an authoritarian government or a people's government. Keeping this issue in mind, the main question of the present article is what are the foundations, nature, and duties (functions) of the Islamic government of the waiting society in the view of Ayatollah Safi Golpayegani. The question was answered through the theoretical framework of paradigm

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Research Center for Political Sciences and Thought. r.eisania@isca.ac.ir.

* Isania, R. (1401 AP). The nature, foundations, and functions of the Islamic government in the waiting society in the thought of Ayatollah Safi Golpayegani, *Journal of Mahdavi Society*, 3(5), pp. 33-9. DOI: 10.22081/JM.2023.65751.1061.

analysis, in the form of political jurisprudence literature of political Islam and with the method of content analysis, based on his main works. The result showed that the nature of the government or state that emerged from his thought was a monotheistic government in the form of Imamate, which is not limited by things such as border, region, and country, and will not have any interruption. In addition to pursuing the special function of providing livelihood, welfare and comfort of the people, this government considers its main duty to fulfill and implement Islamic rules and defend the religion of God.

Keywords

Ayatollah Safi Golpayegani, Islamic government, functions, the waiting society.



ماهیت، مبانی و کارویژه‌های دولت اسلامی در جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

رضا عیسی نیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

چکیده

آیت‌الله صافی گلپایگانی یکی از فقهای خیرگان قانون اساسی بود که در جاسازی ادبیات فقهی شیعه اثنی عشری در جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری داشت؛ همچنین فقهی که در طرد و نفی عرفی کردن جامعه در هشت سال دبیری شورای نگهبان، نقشی اساسی ایفا کرد و نهایتاً در چهره مجتهد و مرجع مروج فقه سنتی ظهور کرد؛ زیرا به مواردی نظیر حجاب، وزیر شدن زنان، تفکیک جنسیتی، اختلاط زن و مرد، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، حرمت مطلق موسیقی و فلسفه و عرفان اسلامی حساسیت نشان می‌داد؛ از این رو تحقیق در اندیشه او ضروری می‌سازد مشخص شود آیا دولت یا حکومت پیشنهادی او دولتی اقتدارگراست یا دولتی مردمی است. با نظر داشت این مسئله، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که مبانی، ماهیت و وظایف (کارویژه‌های) دولت اسلامی جامعه منتظر در دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی چیست. پاسخ به این پرسش با چارچوب نظری تحلیل پارادایمی، در قالب ادبیات فقه سیاسی اسلام سیاسی و با روش تحلیل محتوا، با تکیه بر آثار اصلی وی انجام گردید و نتیجه‌اش این شد که ماهیت حکومت یا دولت برآمده از اندیشه وی، دولتی توحیدی در قالب امامت بوده است که مواردی مانند مرز، منطقه و کشور آن را محدود نمی‌کند و هیچ فترتی هم نخواهد داشت. این حکومت علاوه بر دنبال کردن کارویژه تأمین معاش، رفاه و آسایش مردم، وظیفه اصلی خود را تحقق و اجرای احکام اسلامی و دفاع از دین خدا می‌داند.

کلیدواژه‌ها

آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، دولت اسلامی، کارویژه‌ها، جامعه منتظر.

r.eisania@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* عیسی نیا، رضا. (۱۴۰۱). ماهیت، مبانی و کارویژه‌های دولت اسلامی در جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۵)، صص ۱۳۴-۱۶۴.

DOI: 10.22081/JM.2023.65751.1061



۱۴۴

جامعه‌شناسی

ماهیت، مبانی و کارویژه‌های دولت اسلامی در جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله صافی ...

مقدمه

لطف‌الله صافی گلپایگانی فرزند محمدجواد، در ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ق مطابق با ۳۰ بهمن ۱۲۹۷ش متولد شد و در ۱۲ بهمن ۱۴۰۰ش در ۱۰۳ سالگی درگذشت. از ایشان آثار بسیاری بر جای مانده است که برخی از آنها به‌عنوان آثار برگزیده انتخاب شده‌اند، نظیر کتاب *التعزیر؛ أنواعه و ملحقاته* که برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد یا کتاب *پرتوی از عظمت حسین* که برنده کتاب سال ولایت شد؛ همچنین کتاب منتخب الاثر برگزیده هفتمین همایش دکترین مهدویت گردید.

در نگاه علما و مردم وی مجتهدی مسلم و فقیهی بود که به مواردی نظیر حجاب، وزیرشدن زنان، تفکیک جنسیتی، اختلاط زن و مرد، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، حرمت مطلق موسیقی و مخالف با فلسفه و عرفان اسلامی حساس بود (سایت تابناک ۱۳۹۱/۵/۱۰). تحقیق در اندیشه او از این جهت ضروری و مسئله است که مشخص گردد، دولت یا حکومت پیشنهادی او آیا دولتی اقتدارگرا است یا دولتی مردمی است. باید در نظر داشت این مسئله، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که مبانی، ماهیت و وظایف دولت اسلامی جامعه منتظر در دیدگاه آیت‌الله صافی چیست. آیا دولت مورد نظر وی از وظایف (کارویژه‌های) خاصی برخوردار است؟ پاسخ به این پرسش با چارچوب نظری تحلیل پارادایمی، در قالب ادبیات فقه سیاسی اسلام سیاسی و با روش تحلیل محتوا و با تکیه بر آثار اصلی وی انجام می‌گردد. برای دستیابی به پاسخ چنین سؤالی به تشریح و تحلیل مبانی، ماهیت دولت و کارویژه‌های آن از دیدگاه آیت‌الله صافی می‌پردازیم و به این نتیجه رسیده‌ایم که آیت‌الله صافی با توجه و با درکی که از مفاهیم و اصطلاحات سیاسی داشته، به ارائه نظریه خود درباره دولت و کارویژه‌های آن پرداخته است. با اینکه برخی از صاحب‌نظران میان سه مفهوم «حکومت» (Government) و «دولت» (state) و «نظام سیاسی» تفاوت قائل‌اند، ولی ایشان اولاً میان مفهوم دولت، نظام سیاسی و حکومت فرقی نمی‌گذارد و این مفاهیم را به صورت مترادف استفاده می‌کند. ثانیاً با رویکرد فقهی به این مفهوم می‌پردازد و با اینکه نظام‌های آریستوکراسی، الیگارشی، سوسیالیستی و دموکراسی را به‌خوبی می‌شناسد، تنها نظام سیاسی مورد قبول وی، نظام

امامت است که از آن معنای خاصی را اراده می‌کند؛ چراکه این نظام امامت او، نیازی به سرزمین خاص و تحدیدشده‌ای ندارد؛ بنابراین هر کسی در هر جای این کره خاکی باشد و از فرمان امام که فرمان خدا است، اطاعت کند و مجری احکام اسلامی باشد، تحت نظام امامت است. با عنایت به این موارد، حکومت یا دولت اسلامی مورد نظر آیت‌الله صافی یک خط فرمان دارد و آن هم فرمان الهی است که می‌تواند در قالب حکومت حضرت رسول ﷺ در مدینه یا حکومت امام علی (ع) در کوفه یا حکومت شش ماهه امام حسن (ع) یا حکومت فقها مانند حکم حکومتی میرزای شیرازی یا در قالب مشروطه مشروعه شیخ فضل‌الله نوری یا در قالب جمهوری اسلامی امام خمینی (ع) باشد. این چنین حکومت‌هایی، حکومت اسلامی و حکومت توحیدی هستند. چنین دولتی (حکومتی) اگرچه کارویژه‌هایی نظیر تأمین معاش مردم را بر عهده دارد، کارویژه اساسی آن اجرای احکام اسلامی و دفاع از دین خدا است. با حفظ این مطالب محورها و مباحثی که لازم است در مقدمه به عنوان کلیات و تمهیدات نظری دنبال گردد، عبارت‌اند از: ۱. تعریف مفاهیم دولت یا حکومت، ۲. جامعه منتظر، ۳. آیت‌الله صافی گلپایگانی، ۴. پیشینه بحث، ۵. چارچوب نظری.

۱. دولت یا دولت اسلامی

یکی از دشواری‌های این مقاله این است که قبل از هر چیز باید معنای مفهوم دولت را مشخص و معین کرد؛ مفهومی که می‌توان گفت یکی از دشواری‌های بنیادین و پایه‌ای در ادبیات سیاسی به‌ویژه ادبیات سیاسی شیعه (اعم از فقها و فلاسفه شیعی) است؛ زیرا مفاهیم دولت، حکومت و نظام، در این ادبیات معمولاً به یک معنا به کار رفته‌اند و مترادف‌اند و این عدم تفکیک، کار را بسیار سخت خواهد کرد؛ چون در نگاه امروزی حداقل میان دولت با نظام سیاسی تفاوت آشکاری وجود دارد (جهان‌بین، ۱۳۷۹، ص ۴). البته با اذعان و اِشعار به این مطلب که بحث از دولت، بحث بسیار دامنه‌دار و سختی است؛ چراکه از سویی دولت، متداول‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین مفهوم در حوزه مطالعاتی علوم سیاسی است که به واقعیت‌های متفاوتی از حیث زمانی و مکانی اشاره دارد و چندپهلوی

است (ابوالحمد، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸) و از سوی دیگر ما در قرنی زندگی می‌کنیم که اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که اداره جامعه بدون در نظر گرفتن سه بخش «دولتی»، «خصوصی» و «جامعه مدنی» امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین برای بخش مبانی این سؤال را می‌توان مطرح کرد که دولت چیست؟ آیا در نگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌توان دولت را مستقل از نظام سیاسی دانست یا آیت‌الله صافی نیز همانند دیگر صاحب‌نظران، نظیر «چاندوک» ناچار است بپذیرد نمی‌توان از تداخل معنایی واژه‌هایی چون دولت و حکومت اجتناب کرد؛ زیرا اگر از دولت با تکیه بر کارکردها و کارویژه‌هایش بخواهند تعریف ارائه کنند و بگویند دولت یعنی نهادی که دارای کارکردهای اداری، قهری و ایدئولوژیکی است، باز هم در این تعریف، دولت با حکومت و حکمرانی مساوی تلقی خواهد شد (چاندوک، ۱۳۷۷، ص ۱). با توجه به اینکه قیل و قال‌های زیادی در باب دولت وجود دارد، آنچه در این مقاله برای ما مهم است روشن‌ساختن مفهوم دولت در نگاه آیت‌الله صافی است که به چه معنایی آمده است و از آن چه اراده شده است.

ایشان بحث دولت را این‌گونه پی می‌گیرد که «بشر برای داشتن حقوق متقابل و تبادل دسترنج‌ها، همکاری‌های سالم و سازنده و روابط متعادل و آسایش‌بخش و برای زندگی کردن و از نظم و ترتیب و امنیت و رفاه لازم برخوردار شدن، به دو چیز نیاز دارد: ۱. قانون جامع و برنامه‌های کافی، ۲. مدیریت و زمامداری و مرکز تصمیم‌گیری و اجرایی مورد اعتماد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۹۴). بدیهی است بدون مدیریت صالح و قاطع و نظام اداری، رفاه و امنیت و مقاصد اساسی دنیا و آخرت انسان حاصل نمی‌شود. مدینه فاضله وقتی تشکیل می‌شود که افراد جامعه مانند اعضا و قوای انسان واحد که تحت اداره و مدیریت عقل قرار دارند و وحدتشان با یک نیروی مرکزی که هر عضو و قوه‌ای را به کار مناسب مأمور می‌سازد، تحت مدیریت مطمئن و عاقل و عادل اداره شود که جریان امور را بر سیر منطقی و متناسب قرار دهد و بین اعضا همکاری ایجاد کند، بدون اینکه خودش را بر دیگران تحمیل نماید یا آنها را در مسیر غیرمناسب و خارج از صلاحیتشان وارد کند. واضح است هرچه این نقشه بیشتر عملی شود و هرچه مدیریت از آگاهی لازم و بیشتر برخوردار باشد، اغراض صحیح انسانی بیشتر تأمین می‌گردد و

مشابهت نظام سیاست و اداره و تشریح به نظام تکوین بیشتر می‌شود. تا اینجا معلوم شد که ایشان در اصل نیاز جامعه به مدیر و رهبر و در ضرورت و لزوم مدیریت کردن بحثی ندارد و آن را اجماعی و اتفاق نظری قلمداد می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۶)؛ اما اگر از ایشان سؤال شود شکل حکومت یا مدیریت کردن به چه صورتی باید باشد، پاسخش این است که در باره شکل حکومت و مدیریت کردن دو صورت‌بندی وجود دارد: ۱. عده‌ای که یا اصلاً به مبدأ و عالم غیب اعتقاد ندارند یا اگر به مبدأ و عالم غیب و حتی رسالات آسمانی معتقدند، مسائل دنیا را به آن مرتبط نمی‌دانند؛ بنابراین بشر را در این امور مستقل و به خود واگذار می‌شمارند (یعنی کسانی که به جدایی دین از سیاست و جدایی دین از دنیا باور دارند)؛ ۲. عده‌ای که سیاست و حکومت را از اسلام جدا نمی‌سازند و اسلام را فراگیر همه مسائل زندگی بشری می‌شناسند. اینان معتقدند باید نظام حکومت را از کتاب و سنت و تعالیم اهل بیت پیامبر که عدل قرآن‌اند و تمسک به آنها امان از ضلالت است، گرفت.

آیت‌الله صافی با دو تفکر و ایده‌آلا مخالفت و در رد دسته اول اعلام می‌کند: «ولایت هر شخص، حتی بر خودش و هر مداخله و تصرف در امور دیگران بدون اینکه به اذن خدا و از جانب او و انفاذ اوامر و تشریحات او و عمل از جانب او و برای اطاعت و فرمانبری او باشد، اعتبار نداشته و به هیچ وجه قابل توجیه نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴)؛ اما برای رد دیدگاه دسته دوم این استدلال را می‌آورد که «رسالات آسمانی که برای اصلاح بشر و تکمیل او است، باید کامل باشد و نمی‌توان در رسالات آسمانی نقصی فرض نمود و اگر در رسالات آسمانی، صلاح امور دنیای بشر منظور نشده باشد، خلاف مبانی عقیدتی اسلامی است. اسلام دین عبادت و سیاست و نظام فکر و عمل و اجتماع و اداره همه شئون است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۲۵-۲۶). آیت‌الله صافی به هیچ‌یک از شکل‌های حکومت چه دموکراسی و چه دیکتاتوری اعتماد نمی‌کند؛ زیرا معتقد است در همه آنها نوعی استبداد نهفته است؛ چون این نظام براساس اینکه حق با زور است، هرچند زور اکثریت باشد، ارتباط پیدا می‌کند و حق در این نظام‌ها مفهوم ثابتی ندارد و همان است که اکثریت آن را حق بداند و آن را بر اقلیت تحمیل می‌کند؛

زیرا حکم به کيفر و نکوهش، امری قراردادی است که اکثریت به ملاحظه مصالح خودش، خود را متعهد می‌داند که به آن عمل کند و به اقلیت هم که آن را خلاف مصلحت خودش و بلکه اکثریت می‌داند، تحمیل می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۲۷-۲۸). اگر از آیت‌الله صافی پرسش شود آیا در اسلام به شکل حکومت هم اشاره شده است یا خیر، پاسخ ایشان این چنین است: «اگر مقصود این است که در قوانین و احکام و نظامات مالی و قضایی و کلیه امور، قانون اسلام جاری باشد و فقط در انتخاب حکومت، نظام اکثریت را بیاورند و به روش دموکراسی و حاکمیت ملی و حکومت مردم بر مردم بروند، این نظر را بپذیرند که اسلام در امر رژیم و نظام اداره ساکت است و در عین حال که اطاعت از اولی‌الأمر به صریح قرآن واجب است (نساء، ۵۹)، در طرز تعیین ولی امر و روش مدیریت جامعه پیشنهاد و دستوری ندارد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۳۴).

ایشان این تفکر را که «در امر زمامداری دستور و برنامه شرعی وجود ندارد و مردم، خود باید این مشکل را در هر عصر به هر شکلی که صلاح دیدند، علاج نمایند که طبعاً یکی از این شکل‌ها هم نظام اکثریت می‌باشد» نمی‌پذیرد. ایشان در مقابل آنانی که نظام امامت را مقدمه نظام شورایی و حکومت مردم بر مردم می‌دانند، این گونه موضع می‌گیرد و نظام شورایی و حکومت مردم بر مردم را در اسلام بی‌موضوع می‌داند و پاسخ می‌دهد حضرت علی علیه السلام به ولایت منصوب شده است نه اینکه معرفی شده باشد یا خداوند جامعه را بدون رهبر گذاشته باشد؛ زیرا اولاً خلاف لطف و اوصاف کمالیه خدا و ربوبی پروردگار است و به علاوه، اقرار به نقص دین است که به صریح آیه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (مائده، ۳) کامل گردیده است. چگونه می‌شود با اینکه در آیه ۵۹ سوره نساء «اولی الامر منکم» دلالت بر وجوب اطاعت از امام کند، اما چنین امر مهمی معلوم نشده باشد؟ ثانیاً اگر نظام دموکراسی یا حکومت مردم بر مردم را بپذیریم، یعنی تلفیق بین شرک و توحید را پذیرفته‌ایم، در حالی که آموزه‌های قرآنی و روایی چنین چیزی را بر نمی‌تابند؛ زیرا نظام اسلام، حکومت خدا و احکام الهی است و ولایت‌ها هم باید از جانب او و به اذن و تشریح او باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۳۶-۳۹).

به سبب همین دلایل ذکر شده، آیت‌الله صافی ادعا می‌کند هر نظامی که در طرف

مقابل نظام امامت قرار می‌گیرد، قابل پذیرش نیست و به عبارتی غیر از نظام امامت، مشروعیت هیچ‌یک از نظام‌هایی که در طول چهارده قرن بر مسلمین حکومت یافته‌اند، قابل پذیرش نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۴۰، ص ۴۰)؛ پس شکل مدیریت و اداره جامعه را در جوامع مسلمانان، همچون حکومت‌های بنی‌امیه، بنی‌عباس و آل‌عثمان اسلامی و شرعی نمی‌داند و معتقد است نه تنها بین آنها و اسلام هماهنگی نبوده، بلکه رابطه ضدیت میان آنها حکم‌فرما بوده است. ایشان نظامات کنونی دنیا را نیز که بر اساس به اصطلاح نگرش علمی و جدایی سیاست از دین دنبال می‌کنند، نظامات جاهله می‌داند و اعلام می‌کند آنها مخالف اسلام هستند و مسلمان نباید آنها را بپذیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۵۹، ص ۵۹). آیت‌الله صافی در پاسخ به این پرسش که چه زمانی می‌توانیم مدعی شویم که جامعه دارای حکومت اسلامی است، می‌گوید: شخصیت اسلامی یک جامعه وقتی کامل می‌شود که در همه چیز راهنمایش اسلام باشد و اگر جامعه در سیاست و اداره و امور جمعی و کشوری اسلامی نباشد، هر چند در اخلاقیات و عبادات و معاشرت‌ها و امور تعاونی و همکاری‌های اجتماعی و نکاح و طلاق و مراسم اموات و این‌گونه امور، از دستورهای اسلام پیروی کند، مادامی که کل جامعه به واسطه نظام اسلامی و حکومت شرعی حرکت اسلامی نداشته باشد، آن جامعه شخصیت اسلامی ندارد، هر چند افراد جامعه هریک جداگانه به واسطه التزام به احکام اسلام، شخصیت اسلامی خود را حفظ کنند. یگانه نظام الهی که باید همه در آن نظام باشند، برحسب قرآن و احادیث شریفه و آزمایش و تجربه و هدایت عقل، نظام امامت است که تحت رعایت و عنایت خاصه الهی و مددهای متواتر و متوالی غیبی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۶۰، ص ۶۰).

ایشان تأکید دارد پذیرفتن حکومت باید از روی ادای تکلیف باشد؛ زیرا حکومت کردن در نظام امامت هدف نیست، بلکه وسیله و تحمل مسئولیت بسیار سنگین است که هیچ‌کس به‌عنوان اینکه آن را وسیله امرار معاش یا اشغال مقام یا تبلیغ به نفع خود و تحویل گرفتن حمد و ثنا و مدح و تملق سازد، نباید دنبال آن برود. تکلیفی بزرگ است که هر کس به آن مکلف شد، باید به تکلیف شرعی خود عمل کند و

امانتی بس گران‌بها است که به دست هر کسی سپرده شود، باید در حفظ و نگهداری آن، تمام قدرت خود را صرف نماید. آنها که به مقام، امارت و حکومت به نظر استقلالی نگاه می‌کنند و با آن برتری می‌جویند، حتماً شایستگی آن مقام را ندارند و این مقام در عصر غیبت باید توسط فقها پیگیری و اجرا شود. او در کتاب‌های التعمیر، ولایت تکوینی و تشریحی و ضرورت حکومت می‌نویسد: همان طور که در توفیق شریف آمده است ما معتقدیم که در عصر غیبت، نظام و امور مردم در دست فقها است و مواردی همچون حکم امام خمینی برای بارزگان که در آن نوشتند «من به‌عنوان حق شرعی تو را معین می‌کنم» یا دخالت میرزای شیرازی یا سیدمحمد مجاهد در جنگ با روس‌ها یا اقامه حدود کردن حاجی محمدباقر حجة الاسلام در اصفهان همه این موارد نشان از این است که در تمام این مدت، حکومت به دست فقهای شیعه بوده است و هر چند حکام غاصبی بر سر کار بودند، در امور غیرسلطنتی و حکومتی باز هم دستور و حکم علما نافذ بوده است. ما معتقدیم حاکم شرع و مجتهد جامع شرایط این ولایت را دارد و اگر بسط ید داشت، واجب است مشغول به کار شود و ولایتش در جای خودش محفوظ است، هر چند مردم قبول نداشته باشند؛ درست مانند ولایت جدّ و پدر که قابل نصب یا نفی نیست. در طول تاریخ فقها هم مسئله به همین کیفیت بوده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۳. سایت عصر اسلام، ۱۲ بهمن ۱۴۰۰).

۲. جامعه منتظر

آیت‌الله صافی جامعه منتظر را جامعه اسلام ناب، پیرو ولایت اهل بیت علیهم‌السلام دانسته است؛ جامعه‌ای که از هر سو و هر طرف به اسلام باید منتهی شود و مشروعیت هر برنامه، هر اقدامی را با هدایت‌های اسلام باید سنجید؛ جامعه‌ای که زنده، قوی و قدرتمند، شجاع، صادق و خودکفا است و در تشکیل هویت اسلامی تشریک مساعی دارند. جامعه منتظر، جامعه حجاب و عفت و پارسایی و پرهیز از ملامهی و مناهی است.

آیت‌الله صافی اگرچه جمهوری اسلامی ایران را جامعه منتظر معرفی می‌کند، آن را جامعه منتظر ایدئال نمی‌داند؛ زیرا می‌گوید: جامعه منتظر واقعی با تمسک تامّ به احکام

اسلام تحقق می‌یابد... جامعه منتظر باید بهتر و کامل‌تر از آنچه هست، باشد؛ برنامه‌هایش صحیح‌تر باشد؛ صدا و سیما و روزنامه و مجلات و مجالس و نمایش‌هایش باید در مسیر انتظار باشد. خطّ غرب‌گرایی و تضعیف استقلال اسلامی باید منفور باشد. باید تمسک تامّ و تمام به هویت اسلامی، افتخار و گرایش به بیگانگان ننگ و عار باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، صص ۷۱-۷۲). جامعه منتظر در نگاه ایشان جامعه‌ای پویا و در حرکت است؛ زیرا معتقد است انتظار لفظ نیست، گفتن نیست، عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبایی و مقاومت است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰)؛ البته ایشان برای شناخت و ارزیابی از اینکه کدام جامعه، جامعه منتظر است یا نیست، معیار می‌دهد و آن این است که ابتدا باید دانست جامعه مهدوی دارای چه اصولی است تا براساس آن گفت که آیا جامعه منتظر خود را بستر ساز جامعه مهدوی می‌داند و در آن راستا حرکت می‌کند یا خیر؛ از این‌رو ایشان ابتدا جامعه مهدوی را با اصولی (نظیر نفی تمایز نژادی، نفی تناقض‌های اجتماعی، نفی برتری‌جویی، نفی هرگونه استعلا، نفی طواغیت و قلدران زمین و قلدرمآبی و استبداد و نفی ظلم و خیانت و سوءاستفاده از مقام و جاه‌طلبی و ریاست‌خواهی و افراط و تفریط براساس عدالت در همه امور) معرفی می‌کند که برای دستیابی به آن، جامعه‌های کوچک اگر بخواهند در سعادت، آسایش، قدرت، قوت، عزّت و عدالت، زندگی کنند، باید همان اصول و مبانی جامعه مهدوی را اصل و مبنای حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود قرار دهند و آن را معیار بدانند و صلاح یا فساد خود را با آن بسنجند؛ بنابراین می‌توان گفت در هر شهر و روستایی که حقّ رعایت می‌شود، از حقّ حمایت می‌کنند، به حقّ عمل می‌نمایند، اتحاد و برادری به چشم می‌خورد، تعلیم و تربیت صحیح و تقدیر از اخیار و دانشمندان در آنجا رایج است، در امانت، خیانت نمی‌کنند و خلاصه حیات دینی و انسانی دارند. آن جامعه (اگرچه یک روستا باشد) جامعه مهدوی یا جامعه منتظر است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، صص ۱۱۷-۱۲۰).

آیت‌الله صافی مهم‌ترین وظیفه مسلمانان را در این عصر، حفظ هویت و شخصیت اسلامی می‌داند و از شخص منتظر می‌خواهد حفظ هویت و استقلال اسلامی را همیشه و

در هر مناسبت، شعار و افتخار خود بدانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، صص ۱۷۳-۱۷۴). ایشان در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توانیم مدعی انتظار باشیم و بگوییم جامعه منتظر داریم، می‌گوید: یقیناً با صداقت، با امانت، با برادری، با مرّوت و ایثار، با علم و معرفت، با تقوا و پرهیزکاری و با التزام به اسلام می‌توانیم منتظر باشیم. انتظار از شخصی مثل ولیّ خدا، با گناه، با خیانت، با بی‌تعهدی‌های اخلاقی، با موسیقی و کنسرت و تشویق اهل ملامهی و مناهمی هرگز محقق نخواهد شد و جامعه‌ای که این رفتارهای زشت را به اسم هنر و عناوین دیگر ترویج می‌نماید جامعه منتظر نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۷۸).

۳. آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

لطف‌الله صافی تا ۲۳ سالگی در گلپایگان مشغول فراگرفتن علوم دینی بود؛ ولی بعد از آن به قم آمد. اگرچه یک سال (۱۳۶۴ق) را در نجف اشرف ماند، تا آخر عمر در قم زندگی کرد و از استادانی نظیر آیت‌الله بروجردی، محمدتقی خوانساری، سیدمحمد حجت کوه‌کمری، سیدصدرالدین عاملی و سیدمحمدرضا گلپایگانی بهره برد. زندگی آیت‌الله لطف‌الله صافی فرزند آیت‌الله محمدجواد صافی به سه دوره زیر تقسیم می‌شود:

۱. مشاور علمی - سیاسی آیت‌الله بروجردی: او که در ۳۳ سالگی به این جایگاه رسیده بود، در مواردی همچون تألیف کتاب منتخب الاثر، نگارش مقاله «زندگی بودا» در رد ادعای تأثیرپذیری اسلام از بودیسم که به قلم عبدالحسین زرین کوب نوشته و در مجله روابط ایران و هند چاپ شده بود (سایت خبرگزاری مهر، ۱۶ بهمن ۱۳۹۸)، نقد کتاب شهید جاوید و دیگر موارد، مشورت خود را به منصفه ظهور رساند. ۲. عضو خبرگان قانون اساسی و دبیر شورای نگهبان: عمر شورای نگهبان به‌عنوان یکی از ساختارهای تقنینی جمهوری اسلامی ایران در دوران امام خمینی نُه سال بود که در آن آیت‌الله صافی هشت سال دبیر شورای نگهبان بود (یعنی از خرداد ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۷). یکی از مسائلی که در این دوره همانند دیگر دوره‌های زندگی‌اش برای ایشان مهم بود، واکنش به اعمال و رفتار فردی و جمعی افراد و جریان‌های فکری‌ای بود که به نظر او، احکام اسلامی را تضعیف یا تحریم می‌کردند. حساسیت‌های وی در این موارد را در متن استغفاهایی که دادند،

می توان یافت؛ بنابراین آنچه برای آیت‌الله صافی مهم و حیاتی است، اجرای احکام و قوانین اسلامی است؛ بنابراین اگر کسی در هر موقعیت و نقشی می‌خواست از قوانین اسلام تخلف کند یا در تضعیف آن بکوشد، ایشان در مقابل آن، موضع می‌گرفت و اعتراض و مخالفتش را اعلام می‌داشت و تصویب حدود سیزده قانون در مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «ضرورت» یکی از آن مواردی بود که در سال ۱۳۶۴ اتفاق افتاد و ایشان در نامه‌ای به امام خمینی اعتراض و هشدار خود درباره احتمال تضعیف دین از سوی نمایندگان مجلس را مطرح ساخت (مهرپور، ۱۳۸۸، ص ۵۳). ۳. تصدی مرجعیت: ایشان با اینکه در سال ۱۳۷۵ قمری در ۳۸ سالگی از جانب آیت‌الله حاج سیدجمال‌الدین هاشمی گلپایگانی اجازه اجتهاد داشت، بعد از درگذشت آیت‌الله محمدرضا گلپایگانی از سال ۱۳۷۲ شمسی تصدی مرجعیت را پذیرفت. در این دوران همیشه به مسائلی همچون حجاب، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، موسیقی، تصدی مناصب سیاسی زنان، عرفان و فلسفه واکنش نشان می‌داد و آنجایی که برای اسلام احساس خطر می‌کرد، پیام‌هایی را صادر می‌کرد. از باب نمونه به عملکرد فرهنگسراهای جمهوری اسلامی ایران انتقاد داشت و می‌گفت: «وجود فرهنگسراها باعث حزن حضرت حجت می‌شود» (ایسنا، ۲/۱۳۸۵/۸). یا آنجایی که برخی افراد، اصرار برای حضور زنان در میادین ورزشی و میادین سیاسی و کابینه دولت (به‌عنوان وزیر یا شورای اسلامی شهر و روستا، فرماندار و استاندار و وزیر و رئیس‌جمهور شدن) را داشتند، آیت‌الله صافی عکس‌العمل نشان می‌داد و می‌گفت: این یک سنت‌شکنی در تاریخ چهارده قرن اسلام است که می‌تواند آغاز اتفاقات بزرگی باشد. چه ضرورتی دارد که یک زن از صبح تا شام با مردم در تماس باشد (مدرسی، ۱۳۸۸/۱۱/۲۶) و در جای دیگر دولت احمدی‌نژاد را در قند و قامت دولتی معرفی می‌کرد که می‌خواهد به جنگ با پیامبر برود: متأسفانه می‌آیند در قم که مرکز تشیع است، اعلام می‌کنند که برای بعضی از استان‌ها استاندار زن منصوب می‌کنیم، مگر می‌خواهید که با قرآن و پیامبر جنگ کنید که این چنین خلاف شرع می‌گویید؟ شما با چه کسی می‌خواهید لجاجت کنید؟ آیا با احکام خدا و مسلمات دین مخالف هستید؟ (خبرنامه گویا، ۱۳۸۸/۷/۲۳).

۴. پیشینه و ادبیات بحث

اگرچه اندیشه مرحوم آیت‌الله صافی درباره درباره حکومت را می‌توان در آثار مکتوب و شفاهی ایشان و مقالاتی که درباره زندگینامه علمی و عملی ایشان نگاشته شده، یافت، ولی از منظر پیشینه تحقیق یا ادبیات بحث می‌توان ادعا کرد آنچه تحقیق حاضر را نسبت به تحقیقات مرتبط با موضوع متمایز می‌گرداند باید در محتوا و همچنین در روش و چارچوب نظری دنبال کرد.

۵. چارچوب نظری و روش بحث

چارچوب نظری منتخب برای بررسی و تحلیل مبانی، ماهیت و وظایف دولت اسلامی در جامعه منتظر از دیدگاه آیت‌الله صافی، تحلیل پارادایمی است؛ یعنی برای بررسی دیدگاه وی در حوزه مطالعاتی دولت اسلامی به مفروضات بنیادین او رجوع می‌کنیم؛ زیرا پارادایم آن، مجموعه قضایایی است که به‌عنوان مبانی بنیادین در نزد این فقیه، چگونگی فهم و تبیین و تفسیر جهان در اندیشه وی را توضیح می‌دهد (خیری، ۱۳۸۹، ص ۸) و به تعبیری دیگر، مبانی بنیادین «شرط تحقق» اندیشه سیاسی هستند و عمده‌ترین دلیل تفاوت نظام‌ها و مکاتب اندیشه سیاسی را باید در همین دلالت بنیادین خاص آن نظام‌ها و مکاتب جستجو کرد (منوچهری، ۱۳۹۴، ص ۵) و این مبانی بنیادین عبارت خواهند بود از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، دولت‌شناسی، فرجام‌شناسی. با توجه به چارچوب بالا، پرسش‌هایی که (اعم از اصلی و فرعی) که در متن مقاله مطرح شده است، به پاسخ خواهند رسید؛ زیرا از نگاه تحلیل پارادایمی، اندیشه سیاسی یک متفکر نتیجه منطقی مبانی بنیادین او است. براساس این چارچوب نظری و با روش تحلیل محتوا با مراجعه به آثار مرحوم آیت‌الله صافی گلیایگانی ماهیت، مبانی و کارویژه‌های دولت در جامعه منتظر شناسایی و توصیف و تبیین خواهد شد.

۶. آیت‌الله صافی گلیایگانی و چیستی دولت اسلامی در عصر انتظار

پرسش این است که آیت‌الله صافی گلیایگانی با رویکرد الهیاتی چه تعریفی از دولت

دارد و آیا در عصر غیبت نظریه خاصی برای دولت ارائه می‌دهد و کدام وظایف یا کارویژه‌های خاصی را برای دولت برمی‌شمارد؟ برای دستیابی به پاسخ به نظر می‌رسد ابتدا باید دید آیت‌الله صافی دولت را با کدام نگرش بحث کرده است تا آنگاه بتوان در مورد کارویژه‌های دولت از نگاه ایشان بحث کرد.

مرحوم آیت‌الله صافی عقیده‌اش را در باب حکومت این‌چنین بیان می‌کند: از آنجا که «لَهُ الْحُكْمُ وَ لَهُ الْأَمْرُ، وَ هُوَ الْحَاكِمُ، وَ هُوَ السُّلْطَانُ وَ هُوَ الْوَلِيُّ، وَ هُوَ الْمَوْلَى وَ هُوَ... هُوَ...»؛ حکم برای خدا است و فرمان مختص ذات او است و حاکم او است و سلطان و ولی و مولا او است، هیچ‌کس و هیچ‌گروه نمی‌تواند بر کسی حکومت کند، ولایت و سلطنت ندارد، مگر به اذن‌الله و به حکم خدا و همه مردم باید در تحت حکومت خدا و داخل در سلطان‌الله و مطیع احکام‌الله و ساکن مملکت‌الله باشند. پس حکومت‌هایی که از جانب‌الله نیستند، طبق هر رژیم و برنامه‌ای که باشند، باطل و اطاعت از آنها بالذات حرام است و فقط حکومت خلفای الهی و کسانی که از جانب آنها نیابت دارند، شرعی و واجب‌الاتباع هستند و این منصب برای احدی غیر از آنها ثابت نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، «ب» ص ۱۴). از این سخنان آیت‌الله صافی می‌توان نتیجه گرفت فهم دولت یا حکومت منوط به فهم ولایت در قالب این پرسش است که «آیا ولایت، مفهومی گسترده است که حاکی از مقامی معنوی و دربردارنده حق اعمال قدرت سیاسی باشد». به نظر می‌رسد دستیابی به پاسخ پرسش مذکور نیاز به فهم ولایت تکوینی و تشریحی است؛ زیرا ایشان ولایت را به دو قسم «ولایت تکوینی» و «ولایت تشریحی» تقسیم می‌کند که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

۷. ولایت تکوینی

آیت‌الله صافی درباره ولایت تکوینی، ما را به چند نکته توجه می‌دهد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، صص ۲۰-۶۱) که به برخی از آنها در این مقاله اشاره می‌کنیم. اولین نکته توحید و پرهیز از شرک و غلو است تا به واسطه آن مخلوق در مرتبه خالق و ممکن در مرتبه واجب شناخته نشود و به تعبیر وی، شرک و غلوی اتفاق نیفتد و از افراط در عقیده به

شئون انبیا و اولیا جلوگیری شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ص ۲۲)؛ زیرا ایشان ولایت را شعبه‌ای از «توحید» می‌دانند؛ به همین دلیل مفهوم توحید در عبادت را توسعه می‌دهد و می‌گوید توحید در عبادت مفهوم ابتدایی و شاید مطابقتش پرستش نکردن غیر خدا و اخلاص در عبادت حق تعالی باشد؛ اما به نظر وسیع‌تر، توحید در عبادت و خلوص آن از هر شائبه، فرمان‌بری از خداوند متعال است، به گونه‌ای که غیر از خدا و کسانی که اطاعت آنها در طول اطاعت خدا و به امر خدا است، از احدی و مقامی به‌عنوان اینکه خودبه‌خود یا طبق نظامات مختلف مستحق اطاعت است، اطاعت ننماید؛ زیرا این استحقاق بالذات و بنفسه برای خدا ثابت است و برای غیر خدا مثل انبیا و ائمه هدی علیهم‌السلام و کسانی که از جانب آنها بالخصوص یا به‌طور عام ولایت دارند نیز از این جهت ثابت است. اطاعت از آنها موضوع اطاعت از خداوند متعال است؛ در نتیجه اطاعت از طاغوتیان و سلاطین و هر حاکمی که مأذون از جانب الله یا مأذون از جانب مأذون از طرف الله نباشد، خواه حکومت‌های استبدادی و فردی یا به‌اصطلاح قانونی و نظام اکثریت یا حزبی باشد، هیچ‌یک با توحید در اطاعت سازگار نیست و اگر نگوئیم همان شرک جلیّ در عبادت، به مفهوم واضح و مصداق روشن آن است، نوعی شرک خفیّ است که با خلوص موحدین در توحید منافات دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، صص ۵۳-۵۴).

دومین نکته باطل بودن تفویض و شرک است؛ البته تفویضی که بندگان تصور کنند در کارهای خود مستقل و فاعل بالاستقلال هستند و افعال عباد از حیثه اراده و نظم عام الهی در عالم خلقت خارج باشد و خداوند از تدبیر امور و افعال کناره‌گیری کرده و عالم را به غیر خود سپرده باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، صص ۲۳-۲۴).

با عنایت به این نکات است که آیت‌الله صافی اظهار می‌کند: اداره سازمان کائنات به اذن خدا برای انسان کاملی مانند نبی و ولی وقت، مجاز است و اشکالی بر آن مترتب نیست؛ همان‌طور که این منصب به‌طور جزئی برای ملائک ثابت است و هر کدام از ملائک به اذن الله در پستی انجام وظیفه می‌کنند؛ مانند آنجا که می‌فرماید: «فَأَلْمَدَّبَرَاتِ أَمْرًا» (نازعات، ۵) یا «فَأَلْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا» (ذاریات، ۴). پس همان‌طور که برای ملائک ثابت است، برای فردی از افراد بشر که اکمل خلائق باشد نیز ثابت است. زیرا پیامبر اکرم و

ائمه از ملائک افضل اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ب، صص ۴۲-۴۳) و آنها به امر خدای تعالی و تقدیر او، فیوضش را به دیگران می‌رسانند و واسطه در ایصال‌اند؛ یعنی اراده خداوند و مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که فیض او از این مجاری به دیگران برسد و تصرفات عادی آنان، از مسیر تقدیر و قضا و قدر الهی خارج نیست.

با عنایت به مطالب بالا ولایت تکوینی این شد که ولایت و استقلال و اختیار رتق و فتق و تدبیر کائنات، امر خلق، رزق، میراندن، زنده کردن، امساک و حفظ کرات، آسمان و زمین و اداره شئون وجودی عالم امکان و سازمان ممکنات مخصوص ذات بی‌زوال خداوند یگانه سبحان است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ب، ص ۸۹).

۸. ولایت تشریحی

آیت‌الله صافی ولایت تشریحی را به دو قسم یا به دو معنا می‌گیرد: ۱. ولایت تشریحی یعنی ولایتی که اشاره به اختصاص حق تشریح احکام و جعل قوانین و نظامات عبادی، معاملات، مالی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، کیفری و اجتماعی به ذات بی‌زوال حضرت حق (عزّ اسمه) دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱الف، ص ۸۹). ۲. ولایت تشریحی (شرعیه یا تشریحیه) یعنی کسی بر حسب تشریح و حکم خدا، بر چیزی یا شخص یا اشخاصی ولایت داشته باشد برخی از مصادیق این نوع ولایت را می‌توان اینگونه ذکر کرد: الف) ولایت شخص بر نفس خود (مثلاً خود را اجیر دیگری کند)؛ ب) ولایت شخص بر اموال خود؛ ج) ولایت پدر و جد پدری بر فرزندان صغار خود؛ د) ولایت قاضی و امیر و والی شرعی بر حکم و قضا و رتق و فتق امور (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، صص ۱۳۵-۱۳۶).

آیت‌الله صافی بعد از اینکه ولایت تشریحی را با انواع و اقسامش تعریف کرد و نام برد، اعلام می‌کند اصل وجوب اطاعت زمامدار و ولایت او را چه تشریحیه بنامیم یا شرعیه، همه قبول دارند و شیعه این ولایت تشریحیه یا همان شرعیه را که از شعب ولایت و حکومت و سلطنت الهی است و از عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیش از آن تا به حال باقی و برقرار است، مستمر و غیرمنقطع دانسته است. هم اکنون نیز خود را تحت این نظام و حکومت ولایت تشریحی می‌داند و در هر زمان و هر کجا باشد، باید مطیع این نظام باشد

و اطاعت از این نظام (نظام امامت) را فاضل‌ترین وسیله تقرب به خدا می‌شناسد و خروج از این ولایت و دخول در ولایت و حکومت دیگران را خروج از ولایت و حکومت خدا و دخول در ولایت غیرخدا می‌داند و آن را باطل، فاسد و امتناع از اطاعت آن را واجب می‌شمارد. ایشان تأکید می‌کند شیعه در عصر غیبت (عصر حاضر) اطاعت از اوامر حکام شرع و فقهای عادل و علمای عامل را واجب و اطاعت آنان را رمز تشیع و نشانه ولایت و تسلیم و ایمان خود به نظام امامت و بیزاری از نظامات دیگر می‌داند و تخطی از این نظام و مخالفت احکام فقها را سبک‌شمردن حکم خدا می‌شمارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، صص ۱۳۷-۱۳۸). آیت‌الله صافی ولایت بر اموال و نفوس و امور مردم و ریاست بر جمیع شئون عمومی دین و دنیا از جانب خدا را از آن پیامبر ﷺ دانسته است و بعد از ایشان ولایت را براساس آیات ۳۶ سوره احزاب و آیه ۵۵ سوره مائده و آیه ۵۹ سوره نساء به ائمه اختصاص داده است؛ زیرا وی تفسیر «اولی الامر» را از آن ائمه می‌داند و می‌گوید کسانی که «اولی الامر» در آیه را به فقها تفسیر می‌کنند، تفسیری نادرست و تفسیر به رأی دارند؛ بنابراین اگر سؤال شود پس چگونه آیت‌الله صافی نظام امامت را در عصر حاضر و به فقها تعمیم می‌دهد، پاسخ این است که وی بر این باور است که به حکم آیه شریفه اطاعت امام در عصر غیبت نیز همچون عصر حضور واجب است و فقهای عادل نواب عام آن حضرت و از جانب او مأذون و برای رتق و فتق امور معین شده‌اند و مرجع مردم هستند و اگر کسی مخالفت حکم آنها را بنماید، چون امام حکم به اطاعت از آنها فرموده است، مخالفت حکم آنها در حکم مخالفت حکم امام است که در این آیه اطاعت از آن واجب شده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، صص ۱۳۹-۱۴۱)؛ بر همین اساس است که آیت‌الله صافی می‌گوید یکی از ابعاد ولایت تشریحیه ولایت فقیه است که از ولایت امام مایه می‌گیرد.

خلاصه کلام اینکه ولایت تشریحی ولایتی است که استمرار دارد و هیچ زمانی از بین نمی‌رود یا ولایتی و نظامی است الهی و انقطاع‌ناپذیر است و دوره فترت ندارد و در هر زمان و هر عصر وجود دارد. از عصر حضرت رسول اعظم تا حال تشکیل گردیده و برقرار بوده و هست و تا دنیا باقی است، برقرار خواهد ماند. بر هر کس واجب است که

«نظام امامت» را بشناسد و به آن ایمان داشته باشد و در هر زمان و هر مکان، فقط مردم باید از این نظام اطاعت کنند و هر کس، در هر کجا و هر نقطه‌ای از دنیا که باشد و هر شغل و هر کاری داشته باشد - لشکری باشد یا کشوری، بازرگان باشد یا پیشه‌ور، دانشمند باشد یا دانشجو - باید مطیع این رژیم و فرمان‌بر این نظام و برنامه‌های آن باشد؛ تفاوت نمی‌کند که این نظام بر اوضاع مسلط باشد یا نباشد و حکومت‌های غاصب در امور، مداخله داشته باشند یا نداشته باشند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، ص ۸). ایشان معتقد است نظام امامت، رژیم دائم و مستمر است. همیشه و در تمام شرایط، تابعیت حکومت شرعی یک فریضه اساسی و عمده است. حکومت، مخصوص ذات خدا است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، ص ۱۱) که در دوران معصومان به پیامبر و ائمه یا دوازده فرزند ایشان تعلق دارد و در عصر ما نیز حکومت شرعی بر این اساس برقرار است و هیچ کس در ترک اطاعت آن و قبول نظامات دیگر معذور نیست و عقیده به وجود امام عصر و حیات آن حضرت، معنایش اعتقاد به وجود حکومت شرعی و لزوم اطاعت از اوامر و پیشنهادها و دستورهای فقهای جامع‌الشرایط است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، صص ۱۲-۱۳).

۹. آیت‌الله صافی، شکل‌ها و انواع حکومت اسلامی

آیت‌الله صافی اعلام می‌کند: ما حکومت و اسم‌های شریفی مانند «الحاکم» و «الولی» و امثال اینها را از اختصاصات خداوند متعال می‌دانیم و حکومتی را مشروع تلقی می‌کنیم که منشعب و مقتبس از این حکومت باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۳؛ سایت عصراسلام، ۱۴۰۰/۱۱/۱۲). تنها حکومتی مورد قبول ایشان است که حکومت امامت است که تا عصر حاضر یعنی در دوران غیبت از جانب فقها ادامه یافته است؛ بنابراین می‌توان گفت حکومت‌های انتخابی، شورایی، اکثریتی و هر نوع حکومتی که از جانب خداوند نباشد، از نظر ایشان مطرود است.

نوع دولتی که مرحوم آیت‌الله صافی در نظر دارد، دولتی است که «خط فرمانی» است و به تعبیر ایشان مرز، منطقه و کشور نمی‌شناسد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، ص ۱۲)؛ چراکه وی معتقد است مسلمانی که در فلان کشور غیراسلامی هست، باید از قوانین و

دستورالعمل اسلامی و حکومت اسلامی تبعیت کند. بر اساس همین دیدگاه است که اعلام می‌کند: اگر یک فرد مسلمان در دورترین نقاط چین یا اروپا یا امریکا یا هر منطقه دیگر باشد که حکومت‌های غیرشرعی قدرت سیاسی و اداره امور را در دست داشته باشند، همان یک فرد باید مطیع نظام الهی امامت باشد تا در نظام حکومت خدا باشد و باید دستورالعمل و برنامه کارش را از طریق نظام امامت تعیین کند، حتی اگر در منطقه تحت حکومت رسمی کفار، زندگی می‌کند و کارمند مؤسسات و وزارتخانه‌ها و ادارات آنها نیز باشد، باز هم باید فرمان‌بر نظام امامت باشد و از آن نظام دستور بگیرد و تابعیت آن را داشته باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، صص ۹-۱۰). ایشان برای تقویت و تأیید این نظریه خود که مسلمان باید تابعیت از حکومت اسلامی (حکومت خدایی) داشته باشد و از حکومت طاغوت اجتناب کند، عمل افرادی نظیر ابوذر، سلمان، مقداد و عمار همچنین افرادی امثال علی بن یقظین و محمد بن اسماعیل بن بزیع را در حکومت بنی‌عباس شاهد می‌آورد. اینان با اینکه در نظام طاغوتی زندگی می‌کردند، ولی از نظام امامت اطاعت می‌کردند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، صص ۹-۱۰).

یادآوری این نکته هم خالی از لطف نخواهد بود که حکومت یا دولت مبتنی بر امامت در نگاه مرحوم صافی، شناوری و سیالیت خاصی دارد؛ چراکه حکومت امامت گاهی به اندازه‌ای قلمرو و وسعتش کوچک می‌شود که یک فتوا یا حکم حکومتی از یک مجتهد را در بر می‌گیرد، آنجا که به جنبش تنباکو اشاره دارد و می‌گوید: حکومت و نظام امامت بود که در واقعه تحریم تنباکو، حکومت انگلستان را به زانو درآورد و رشته استبداد ناصرالدین شاه را قطع کرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، صص ۹-۱۲) و گاهی هم شامل یک کشور می‌شود، مانند حکومت اسلامی ایران و گاهی هم وسعتش به وسعت جهان است که همان حکومت واحد جهانی امام مهدی عج است؛ بنابراین اگر سؤال شود نظام امامت چگونه نظامی است، آیا نظام سلطنتی موروثی است یا نظام آریستوکراسی، یا نظام موناشرشی یا الیگارشی و بالاخره انتصابی است یا انتخابی، پاسخ آیت‌الله صافی این چنین است که نظام امامت نظامی است که مالک همه و حاکم و سلطان بر همه و صاحب اختیار واقعی و حقیقی همه در همه چیز خدا است. حکومت

مختص او است و قانون و شریعت و برنامه دولت و حکومت، همه از جانب او باید تعیین شود. هیچ کس بدون اذن او حق حکومت ندارد و حتی در منطقه وجود خودش نیز در حدود اذن او اختیار و حق مداخله دارد. این نظام سلطه یافتن و سلطه داشتن و زیاده جویی و توسعه طلبی و جاه طلبی و تأمین منافع یک فرد یا حزب یا یک ملت و تصرف بازارهای دیگران نیست، فقط فایده و غرض و فلسفه‌ای که در این نظام از حکومت منظور است، اقامه دین، اجرای برنامه‌های اسلام و عدالت و امر به معروف و نهی از منکر و ترقی و رشد فکری و تهذیب و تربیت نفوس و تکمیل افراد در معارف و علم و عمل و عمران زمین و تأمین رفاه و آسایش تمام بندگان خدا و متحد کردن مردم است. برنامه این نظام، شرعی و الهی است و ماهیت و حقیقتش با آن حکومت‌ها فرق بسیار دارد. حقیقتش خلافة الله و برنامه‌اش احکام الله است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ الف، صص ۳۴-۳۶).

بنابراین در نظام امامت، وقتی از جانب ولی امر، خواه شخص امام یا کسانی که از جانب او منصوب و معین شده‌اند، یا هریک از فقها که در عصر غیبت نیابت عاقله دارند، امری صادر گردد، باید اطاعت شود و مخالفت آن، در حکم رد حکم خدا و شرک به خدا است (صافی گلپایگانی، «الف» ۱۳۹۲، صص ۲۹-۳۰). آیت الله صافی حاکم و رهبر جامعه را به ۱. حاکم یا نظام مدینه در عصر رسول اکرم ﷺ، ۲. نظام کوفه در عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شش ماه حکومت امام حسن علیه السلام، ۳. نظام یا حاکم، رهبر و پیشوای کل نظام موعود جهانی، ۴. نظام اسلامی در عصر غیبت تقسیم می‌کند و می‌گوید نظام‌های سیاسی در عصر معصومان با این دو ویژگی اساسی یعنی الف) عادل بودن و عدالت رهبر، ب) عصمت رهبر شناخته می‌شوند؛ یعنی رهبر باید عادل و معصوم از گناه و خطا و عمل به هوای نفسانی باشد و به عبارتی دیگر رهبر باید نمونه در پرهیزکاری و رعایت حق و عدالت، در تصمیمات، عزل و نصب و تصرف در بیت‌المال باشد؛ البته وی نه تنها بر این باور است که مقام امامت که اعظم مناصب و خلافت الله است، باید به کسی اعطا شود که از همه صالح‌تر، عالم‌تر و پاک‌تر باشد، بلکه برای مقامات پایین نیز همین اصل صلاحیت علمی و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر را معیار می‌داند؛ بنابراین معتقد است با وجود اصلح و الیق و اعلم، به صالح و لایق و عالم، مقامی اعطا نمی‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۲۲).

۱۰. چیستی و چگونگی اعمال کارویژه‌های دولت اسلامی در جامعه منتظر از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی

گفته شد که نظام امامت، نظامی است که هیچ چیزی (نه زمان، نه مکان و نه حاکمان) توان این را ندارد آن را دچار فترت و انقطاع کند و نظامی است که به شکل‌های مختلف ظهور و بروز داشته است؛ برای مثال مرحوم «سیدمحمد مجاهد» و سایر علما به‌عنوان رهبر این نظام از جانب امام عصر علیه السلام فرمان جهاد با روس را صادر کردند و خود شخصاً در آن شرکت کردند. مرحوم «حاج میرزا مسیح تهرانی» در واقعه شورش علیه نفوذ روسیه در ایران و قتل «گری بایدوف» سفیر مقتدر و مطلق‌العنان روسیه، موضعش اتکا به این نظام بود. در مسئله تحریم تنباکو که حکم قاطع «الیوم استعمال تنباکو در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است» دماغ حکومت جبار انگلیس را به خاک مالید، نمونه‌ای و شکلی از قدرت نظام امامت بود و «آیت‌الله میرزای شیرازی» از موضع نیابت عامه حضرت ولی عصر علیه السلام این حکم تاریخی را صادر کرد. در انقلاب مشروطه، قیام علما علیه استبداد شاه که از عصر ناصرالدین شاه شروع شد، همه به استناد استمرار نظام امامت و نیابت عامه فقها بود. مجاهدات شخصیت‌هایی مثل «سیدشرف‌الدین» با استعمار فرانسه در سوریه و لبنان و انقلاب مرحوم «آقا میرزاتقی شیرازی» علیه استعمار انگلیس در عراق که به یک جهاد تمام‌عیار با انگلیس تبدیل شد و موضع‌گیری‌های «کاشف‌الغطا» بر ضد سیاست استعماری انگلیس و «سیدمحمدسعید حبوبی» و «آیت‌الله حکیم» علیه نظام مزدور عبدالسلام،... و بالاخره انقلاب اسلامی ایران به رهبری علما و فقها و مراجع بزرگ، به‌خصوص امام خمینی، همه وجود این نظام و بقا و نفوذ آن را نشان می‌دهد و گواه این است که این نظام هیچ‌گاه منقطع نشده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، الف، صص ۱۰۰۸۹).

با نظر داشت مطالب بالا بحث این است که چنین حکومتی دارای چه کارویژه‌ای است. پاسخ اجمالی این است که از آنجایی که حکومت مورد نظر آیت‌الله صافی مرز، کشور و منطقه نمی‌شناسد، همچنین به عده و عُده در انجام احکام اسلامی توجهی

ندارد، از این رو کارویژه حکومت منتظر، همانند هر فرد جامعه منتظر، تعظیم شعایر و اعلاهی کلمه الله و احیای معالم مذهب و آثار اهل بیت علیهم السلام است؛ همچنین اعانت ضعفا، قضای حوایج و امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با بدع و پاسداری از احکام شرع است که منتظر حقیقی ظهور (اعم از نهاد یا شخص) باید به آن ملتزم و متعهد باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، ص ۳۳)؛ پس کارویژه‌های حکومت در جامعه منتظر در نگاه آیت الله صافی می‌تواند متعدد باشد که در ادامه به تشریح برخی از آنها مانند «تحصیل قرب الهی»، «اقامه عدالت» و «ایجاد رفاه و آرامش» می‌پردازیم.

۱۱. تحصیل قرب الهی در امتداد دفاع از دین خدا و در پرتو صیانت و اجرای قوانین و احکام اسلامی

یکی از کارویژه‌های دولت مورد نظر آیت الله صافی رسیدن و رساندن به قرب الهی است؛ زیرا غایت در اندیشه ایشان «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) است؛ غایتی که دولت اسلامی برای رسیدن انسان به کمالات و تربیت انسان کامل، باید در امتداد آن حرکت کند و نقش آفرینی خود را معنا بخشد؛ بنابراین ایشان به همه از جمله جوانان توصیه می‌کند در جامعه منتظر در برابر همه دشمنانی که می‌خواهند به اسلام ضربه بزنند و در برابر همه هجوم فرهنگی و الحادی و اسلام‌زدایی، باید از اسلام دفاع کرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، ص ۵۱). ایشان معتقد است اسلام دین قانون است و حکومت در اسلام حکومت قانون است. حقوق بشر و حقوق انسان‌ها و مرد و زن همان است که خدای بشر، خدای زن و مرد، معین فرموده است. غیر از آن، همه ضلالت، گمراهی، فساد و تباهی و سیر به سوی زندگی حیوانی است (صافی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). منشأ قانون در نگاه ایشان شرع مقدس است. ایشان اعلام می‌کند قوانین حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که به وسیله وحی اعلام شده و احدی نمی‌تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی از آن کم کند؛ بنابراین باید همگان به خصوص هیئت حاکم در این خط مستقیم، با احساس مسئولیت و تعهد قدم بردارند (صافی، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

۱۲. اقامه عدالت

یکی از مباحثی که روشنگر بحث وظیفه و کارویژه دولت در نگاه آیت‌الله صافی است، طرح و تشریح عدالت و انواع آن است که در ادامه پیگیری خواهد شد. او معتقد است حاکمان (از پیامبر تا فقیه) همه ملزم به رعایت عدل و قسط هستند و برای برقراری عدالت، موظف به اجرای قوانین اند، البته نه قانون تدوین شده بشری. ایشان کسی را که قانون تدوین شده بشری را اجرا کند، عادل نمی‌داند و این فرمول را ارائه می‌دهد که عدل حاکم منوط به عدل قانون است؛ همان‌طوری که عدل قانون منوط به عدل مجری است؛ بنابراین در نگاه ایشان عادل آن کسی است که هوای نفس، او را از حق منحرف نمی‌کند که حکم به جور بدهد؛ از این رو به مردم توصیه می‌کند از عدل‌های عامیانه و عوام‌پسند پرهیز کنند و آنها را عدل نشمارند و حاکمی که با زور و قدرت شخصی، حکومت را به دست گرفت و خود را بر مردم تحمیل کرد، اگرچه در حلّ و فصل امور براساس عدل و قسط حکومت کند، ظالم بدانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۴۱۱)؛ البته باید توجه داشت که آیت‌الله صافی عدالت را در چهار بُعد دنبال کرده است:

۱. عدالت سیاسی یا عدل حاکم (مراد از بُعد سیاسی عدل یا همان عدل حاکم این است که حکومت مشروع باشد و براساس زور و استبداد و به منظور فرمانرانی و تسلط بر مردم و تحمیل بر خلق‌الله و ملاحظه هوا و هوس و غرض و منافع شخصی خود و اشخاص معین و طبقه و حزب و گروه و جمعیت خاص و تبعیض نباشد و حاکم بر مبانی نادرست، برگزیده نشده باشد و فقط تقوا میزان انتخاب باشد) (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۸۴)؛ ۲.

عدل قانون (مراد وی از عدل قانون یا همان بُعد قانونی عدل این است که در قوانین، مصالح و منافع همگان، واقع و حقیقت نیازمندی‌های افراد جامعه و خواسته‌های حقیقی و فطری و گرایش بشر منظور شده باشد و برای فرد و طبقه و صنف خاصی در شرایط متساوی امتیازی نباشد و بر قانون فطرت بشر تحمیل نباشد. اگر سؤال شود عدالت برحسب چه چیزی مطرح می‌شود، آیا برحسب لیاقت است یا برابری، می‌توان گفت عدل قانونی در نگاه آیت‌الله صافی به‌مثابه رعایت تناسب، استحقاق و شایستگی‌ها است نه به‌مثابه مساوات و برابری؛ زیرا می‌گوید عدل این است که هرکسی و هر چیزی سهم خود و آنچه را که

لازم دارند و حقشان است، ببرند، نه اینکه همه مقدار واحد و به اندازه واحد ببرند؛ بنابراین وقتی این طور شد و چنین چیزی در زندگی انسان‌ها و معاش و تولید و توزیع نعمت‌ها اجرا شد، عدل و نصیب به عدل، استحقاق و سهام صحیح و متعادل برقرار می‌گردد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۱۸۶)؛ ۳. عدل اقتصادی (بعدها اقتصادی عدل یا عدل اقتصادی عبارت از این است که براساس قانونی بودن حق مالکیت اختصاصی، قوانین اقتصادی و مالی، کار و نظامات مشاغل به قسط، نصیب به عدل، تنظیم سهام و جلوگیری از تورم، تراکم بی‌رویه و غیرمتعارف سرمایه‌ها، منع احتکار و ترتیب تولید، مطابق کردن عرضه و تقاضا، توزیع عادلانه و صحیح محصولات، متعادل ساختن قیمت‌ها و دستمزدها به طوری که هر کس بتواند با دادن آنچه دارد، از کار یا مزد کار، نیازمندی‌های متعارف خود را بگیرد، نظر داشته باشد. حکومت نیز براساس معیارهای دقیق و صحیح، صلاحیت و اختیار قانونی داشته باشد که عدالت را بدون اینکه به حق کسی تجاوز نماید، برقرار کند. مسئول و متعهد باشد که با تمام قوا، عدل اقتصادی، مبارزه با فقر و محرومیت از معاش متوسط و متناسب را در رأس برنامه‌های حکومتی خود قرار دهد و جامعه و افراد را از فقر و ورشکستگی نجات دهد) (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۱۸۷)؛ ۴. عدل اجتماعی (یا بعد اجتماعی عدل)؛ یعنی به کارگیری قوانین صحیح (قوانینی که روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها با حکومت براساس منزه از استکبار و استضعاف مقرر کرده باشد) در همه رشته‌های مختلف. پس یکی از کارویژه‌های دولت منتظر، در نگاه آیت‌الله صافی، گسترش عدالت با تحفظ ابعاد آن در محدوده توانش است.

۱۳. ایجاد رفاه و آرامش

اگر بگویم یکی از کارویژه‌های دولت اسلامی در نگاه آیت‌الله صافی تأمین آرامش و رفاه است. این سؤال مطرح خواهد شد که آرامش و رفاه به چه معنایی است و شاخص‌های آن دو کدام‌اند. آرامش یعنی تعادل روحی و نبود تشویش و اضطراب که نتیجه آن تعامل صحیح با مسائل و گرفتاری‌ها است (فرانکن، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۶۰)؛ البته آرامش، هم می‌تواند طریق و روش باشد و هم هدف و به فردی و اجتماعی تقسیم

گردد و آرامش اجتماعی نیز با نشانه‌ها و شاخص‌هایی چون امنیت (اعم از امنیت راه‌ها، امنیت روانی و امنیت جانی) شناخته می‌شوند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۷۶)؛ اما رفاه به معنای فراخ و آسان‌شدن زندگی (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۶۵) یا به معنای برخورداری از امکانات است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۶۴۵) و با نشانه‌هایی نظیر مرکب (وسایل نقلیه مانند وسایل آبی، زمینی، هوایی، زیرزمینی)، انعام (غذا)، باغ، ثروت، زمین، گنج، پوشاک و مسکن در قرآن قابل شناسایی است؛ اما چگونه می‌شود این مباحث را در اندیشه آیت‌الله صافی دنبال کرد؟ پاسخ این است که همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، جامعه منتظر جامعه‌ای است که در راستای جامعه مهدوی حرکت کند و به دنبال اجرا و بسترسازی برای آن جامعه باشد؛ بنابراین از آنجایی که در جامعه مهدوی امنیت، صلح واقعی و آرامش و رفاه یکی از ویژگی‌های دولت مهدوی است، دولت جامعه منتظر نیز باید یکی از کارویژه‌های خود را تحقق آرامش و رفاه مردمان جامعه منتظر بداند و برای تحقق آن تلاش کند. همان‌طور که دولت غوث اعظم و عدل قرآن، به نفی تجمل‌گرایی و افراط در مصرف، پوشاک، مرکب و مسکن می‌پردازد، دولت جامعه منتظر نیز باید در همان راستا به مبارزه با تجمل‌گرایی پردازد و برای بهبود وضع اقتصاد عمومی تلاش کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، صص ۴۶-۴۸). خلاصه اینکه چون آیت‌الله صافی یکی از وظایف حکومت را تأمین معاش، رفاه و آسایش مردم می‌داند، اعلام می‌کند: بر حکومت لازم می‌شود برای جلوگیری از این ناچاری‌ها، عرضه را در هر مکان و زمان طوری قرار دهد که وضع غیرعادی پیش نیاید؛ مثلاً در راه‌ها و مسیر مسافران، همه جا وسایل مورد نیاز در اختیار مردم باشد و برای متعادل‌ماندن قیمت‌ها تدابیری اتخاذ کند که هم قانونی باشد و هم احترام مالکیت و آزادی افراد برقرار باشد؛ مثلاً برای کنترل قیمت کرایه وسایل نقلیه، اگر خارج از حد متعارف و موجب عسر و حرج باشد، وسایل دولتی را نیز در کنار آنها بگذارد که به قیمت متعادل، حمل و نقل را عهده‌دار باشند یا بیمارستان و دارو و پزشکی در اختیار مردم بگذارد که کسی از راه ناچاری، مال یا عمل خود را به کمتر از قیمت متعارف نفروشد. همچنین با اجرای قانون منع احتکار، شرایط غیرعادی را از بین ببرد یا از افرادی که بازار سیاه می‌سازند و با خرید

اجناس و اتلاف آنها و انحصار آن به خودشان قیمت را بالا می‌برند، جلوگیری نماید و مانع از اسراف و تبذیر گردد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۹۴).

نتیجه‌گیری

دیدگاه آیت‌الله صافی درباره حکومت این است که اگر هر کس به عقل خود بنیاد تکیه و ادعای خود کفایی یا استقلال (استغنا، استکبار) در امر حاکمیت کند، گویی خواستار سهمی در الوهیت شده و مشرک خواهد بود؛ بنابراین حکومت و ولایت از آن خداوند سبحان است و حکومت و اسم‌هایی مانند «الحاکم» و «الولی» و امثال آن از اختصاصات خداوند متعال است و حکومتی مشروع تلقی می‌شود که منشعب و مقتبس از این حکومت باشد و چون حکومت پیامبر، امام علی، امام حسن تا امام مهدی علیهم‌السلام ولایت تشریحیه است و اینان هستند که حق حکومت را دارند و چون حکومت امامت فترت و انقطاع ندارد، در عصر غیبت یا در جامعه منتظر شأن حکومت از جانب امام معصوم به فقها می‌رسد و کارویژه تمامی حکومت‌های اسلامی از حکومت در مقیاس حکم حکومتی میرزای شیرازی گرفته تا حکومت واحد جهانی امام زمان علیهم‌السلام اقامه دین و اجرای احکام اسلامی است و این کارویژه بر کارویژه‌های دیگر دولت از قبیل تأمین معاش، رفاه و آسایش و آرامش، امنیت و صیانت از قوانین سایه انداخته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن مجید.

۱. ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۸۴). مبانی سیاست (ج ۱، چاپ دهم). تهران: انتشارات توس.
۲. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
۳. ایسنا، سایت خبرگزاری دانشجویان ایران. (۱۳۸۵). آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، وجود فرهنگسراها باعث حزن امام زمان علیه السلام می‌شود. بازبینی شده در: ۸ اردیبهشت ۱۳۸۵، https://b2n.ir/z01707_047479
۴. چاندوک، نیرا. (۱۳۷۷). جامعه مدنی و دولت، کاوش‌هایی در نظریه سیاسی (مترجم: فریدون فاطمی و وحید بزرگی). تهران: نشر مرکز.
۵. خبرنگار، گویا، خبرگزاری بین‌المللی قرآن. (۱۳۸۸). آیت‌الله صافی گلپایگانی، هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای زنان ارزش قائل نشده است. بازبینی شده در تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۸۸ <https://b2n.ir/k29454>
۶. خیری، حسن. (۱۳۸۹). مقایسه پارادایم دینی (اسلامی) با پارادایم‌های اثباتی، تفسیری و انتقادی. فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، (۲)، صص ۷-۱۳.
۷. تابناک تاریخ انتشار ۵ مرداد ۱۳۹۱ انتقاد آیت‌الله صافی از همایش عرفان ملی. بازبینی شده در تاریخ: سه‌شنبه، پنجم مرداد، ۱۳۹۱. <https://www.tabnak.ir/fa/news/261872/>
۸. سایت عصر اسلام. (۱۴۰۰). نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره ولایت فقیه. بازبینی شده در تاریخ: ۱۲ بهمن ۱۴۰۰، <https://b2n.ir/z50852.29110>
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۰). امام خمینی و حکومت اسلامی (مصاحبه‌های علمی) (ج ۱۰، نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره ولایت فقیه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۱ الف). ولایت تکوینی و ولایت تشریحی. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.

۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۱ب). سلسله مباحث امامت و مهدویت (۴جلدی). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲الف). نظام امامت و رهبری، امامت حضرت بقیه‌الله و نقش سازنده عقیده به امامت آن حضرت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ب). تجلی توحید در نظام امامت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ج). عقیده نجات‌بخش: پیرامون عقیده به ظهور و حکومت مهدی عج. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳الف). پیام‌های مهدوی (مجموعه پیام‌های آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳ب). پاسخ به ده پرسش (پیرامون امامت، خصائص و اوصاف حضرت مهدی عج). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳ج). پیرامون معرفت امام. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۴). به سوی دولت کریمه. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۷). سلسله مباحث امامت و مهدویت (۳): ولایت تکوینی و ولایت تشریحی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۲۰. فرانکن، رابرت. ای. (۱۳۸۸). انگیزش و هیجان (مترجمان: حسن شمس اسفندآباد، غلامرضا محمودی و سوزان امامی‌پور، ج ۲، چاپ دوم). تهران: نشر نی.

۲۱. مدرسی، فرید. (۱۳۸۸). روابط دولت نهم و دهم با حوزه و پیامد هفتگانه آن، دوشنبه ۲۶ بهمن. <http://www.faridmod.blogfa.com/post/396>
۲۲. منوچهری، عباس. (۱۳۹۴). اندیشه سیاسی به مثابه دانشی میان‌رشته‌ای: روایتی دلالتی-پارادایمی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، (۲۶)، صص ۱-۲۲.
۲۳. مهرپور، حسین. (۱۳۸۸). دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی (چاپ سوم). تهران: اطلاعات.
۲۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن (ج ۴). قم: بوستان کتاب.
۲۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۶). فرهنگ قرآن (ج ۱۵). قم: بوستان کتاب.
۲۶. داریوش، جهان بین. (۱۳۷۹). گفتگو با حسین بشیریه؛ دولت، جامعه مدنی و گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی، کتاب ماه علوم اجتماعی، اسفند و فروردین، ص ۴.
۲۷. سایت خبرگزاری مهر. (۱۳۹۸). در اولین نشست از سلسله نشست‌های روایت حجره بررسی شد؛ زندگی، فعالیت‌ها و دیدگاه‌های آیت الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، کد خبر <https://www.mehrnews.com/news/4845510>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

References

1. Abolhamd, A. (1384 AP). *Basics of politics* (Vol. 1, 10th ed.). Tehran: Tous Publications. [In Persian]
2. Anvari, H. (1381 AP). *The Great Dictionary of Sokhan*. Tehran, Sokhan. [In Persian]
3. Asre Islam site. (1400 AP). *Ayatollah Safi Golpayegani's opinion about the religious authority*. Revised on: 12 Bahman 1400, 29110. <https://b2n.ir/z50852>.
4. Chanduk, N. (1377 AP). *Civil society and the state, explorations in political theory* (Fatemi, F., & Bozorgi, V, Trans.). Tehran: Nahr-e-Markaz. [In Persian]
5. Daryush, J. (1379 AP). *Conversation with Hossein Bashiriyeh; Government, civil society and discourses of political sociology*. Book of the month of social sciences, March and April, p. 4. [In Persian]
6. Franken, R. (1388 AP). *Motivation and excitement* (Shams Esfandabad, H., & Mahmoudi, Q. R., & Emamipour, S, Trans. (vol.2, 2nd ed.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
7. Goya News, International Quran News Agency. (1388 AP). *Ayatollah Safi Golpayegani, no school has valued women as much as Islam*. Revised on: 23 Mehr 1388 AP, from: <https://b2n.ir/k29454>. [In Persian]
8. Hashemi Rafsanjani, A., & the researchers of the Quran Culture and Education Center. (1383 AP). *Dictionary of the Qur'an* (Vol. 4). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
9. Hashemi Rafsanjani, A., & the researchers of the Quran Culture and Education Center. (1386 AP). *Dictionary of the Qur'an* (Vol. 15). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
10. Isna, the website of Iran's student news agency. (1385 AP). *Ayatollah Safi Golpayegani, the existence of cultural centers makes Imam Zaman sad*. Revised on: May 8, 2006, 047479 <https://b2n.ir/z01707>. [In Persian]
11. Kheiri, H. (1389 AP). Comparison of religious (Islamic) paradigm with proof, interpretation and critical paradigms. *Social Cultural Knowledge*, (2), pp. 7-13. [In Persian]

12. Manouchehri, A. (1394 AP). Political thought as an interdisciplinary knowledge: a symbolic-paradigmatic narrative. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, (26), pp. 1-22. [In Persian]
13. Mehr News Agency website. (1398 AP). *In the first meeting of the series of meetings on the narrative of the house was examined; Life, activities and views of Ayatollah Safi Golpayegani*. From: <https://www.mehrnews.com/news/4845510>. [In Persian]
14. Mehrpour, H. (1388 AP). *New Perspectives on Legal Issues* (3rd ed.). Tehran: Etela'at. [In Persian]
15. Modaresi, F. (1388 AP). *The relations of the 9th and 10th governments of Iran with their seven spheres and consequences*. Monday, February 26. From: <http://www.faridmod.blogfa.com/post/396>. [In Persian]
16. Safi Golpayegani, L. (1380 AP). *Imam Khomeini and the Islamic government (academic interviews)* (Vol.10: Ayatollah Safi Golpayegani's opinion about the Wilayat Faqih). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Persian]
17. Safi Golpayegani, L. (1391 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism* (4 Vols.). Qom: Office for editing and publishing the works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
18. Safi Golpayegani, L. (1391 AP). *Formative Wilayat and legislative Wilayat*. Qom: Hazrat Mahdi Mowoud Cultural Foundation. [In Persian]
19. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *Redemptive Belief: About the Belief in the Appearance and Rule of the Mahdi*. Qom: Editing and publishing office of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
20. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *The manifestation of monotheism in the Imamate system*. Qom: Office for editing and publishing the works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani.
21. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *The system of Imamate and leadership, the Imamate of Hazrat Baqiyatollah and the role of creating belief in his Imamate*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]

22. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *About Imam's knowledge*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
23. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Answers to ten questions (about Imamate, characteristics and attributes of Hazrat Mahdi)*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
24. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Mahdavi's messages (a collection of Ayatollah Azami Safi Golpayegani's messages)*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
25. Safi Golpayegani, L. (1394 AP). *Towards the government of Karimah*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Grand Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
26. Safi Golpayegani, L. (1397 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism (3): Formative and legislative Wilayat*. Qom: Office for editing and publishing the works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
27. Tabnak (05/05/1391 AP). *Ayatollah Safi's criticism of the national mysticism conference*. Revised on: Tuesday, August 5, 2012. From: <https://www.tabnak.ir/fa/news/261872/>. [In Persian]